

دست‌آوردهای مطالعات ترجمه

نقدی بر کتاب کند و کاو در نظریه‌های ترجمه

علیرضا خان‌جان
مترجم و محقق ترجمه

کند و کاو در نظریه‌های ترجمه

نوشته آنتونی پیم، ویراست دوم، انتشارات راتلج، ۲۰۱۴

ویراست دوم کتاب *کند و کاو در نظریه‌های ترجمه*^۱ نوشته پروفیسور آنتونی پیم، محقق سرشناس ترجمه، اخیراً (۲۰۱۴) و بعد از گذشت چهار سال از ویراست نخست به بازار آمده است. پیم استاد ترجمه و مطالعات بین‌فرهنگی در دانشگاه رُویرا ای ویرجیلی^۲ اسپانیاست. وی همچنین رئیس انجمن اروپایی مطالعات ترجمه و پژوهشگر مدعو در مؤسسه مطالعات بین‌الملل مونتری می‌باشد. به جز کتاب مورد بررسی در این نوشتار، پیم کتب دیگری نیز نوشته است که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب وضعیت حرفه مترجمی در اتحادیه اروپا (۲۰۱۳) و نیز کتابی با عنوان در باب اخلاق مترجم (۲۰۱۲) اشاره کرد.

در این کتاب پیم به معرفی پارادیم‌های عمده در مطالعات ترجمه در غرب از دهه ۶۰ تا به امروز می‌پردازد. نکته جالب توجه در سبک نگارش کتاب این است که پیم دیدگاه‌های شخصی خود را لابه‌لای نظریات دیگران به بحث می‌گذارد بی‌آنکه ادعای نظریه‌پردازی داشته باشد. پیم که همواره از اهمیت مفهوم تعادل (equivalence) در مطالعات ترجمه سخن گفته است، براساس تمایزی که میان دو نوع تعادل قائل می‌شود دو فصل مجزا به پارادایم تعادل اختصاص می‌دهد. در این نوشتار تلاش خواهیم کرد در

^۱ *Exploring Translation Theories*

^۲ Rovira I Virgili University

حد مجال این دو فصل (فصول دوم و سوم) را مرور کنیم و بحث درباره سایر فصول کتاب را (اگر فرصتی باقی بود) به آینده موکول می‌کنیم.

پیم میان دو نوع تعادل یعنی تعادل طبیعی^۳ و تعادل یک‌سویه^۴ تمایز قائل می‌شود و این دو نوع را در واقع دو زیر- پارادایم پارادایم تعادل می‌داند. این تمایز تلویحاً بیانگر این نکته است که آرمان‌گرایی مفرط طرفداران امکان دست‌یابی به تعادل طبیعی چندان خوشایند او نیست چون او اساساً مشکل ترجمه و به تبع آن، رسالت حرفه‌ای مترجم را نیل به تعادل یک‌سویه می‌داند. منظور از تعادل طبیعی، چنانکه از عنوان آن برمی‌آید، یافتن معادل‌های دوسویه‌ای^۵ است که در ترجمه معکوس از یک زبان به زبانی دیگر گزینه دیگری را برای مترجم باقی نمی‌گذارد. به عنوان مثال، اصطلاح April lie در فرهنگ جوامع انگلیسی زبان بطور طبیعی با اصطلاح «دروغ روز سیزده» در فرهنگ و زبان فارسی معادل یا هم‌ارز بوده و عکس این رابطه نیز الزاماً صادق است. به عبارت دیگر، همه مترجمان مجرب به اجماع، و به گفته پیم بصورت پینگ‌پونگی، این دو اصطلاح انگلیسی و فارسی را معادل یکدیگر می‌دانند. پیم مثال‌های متعدد و روشنگر دیگری نیز ارائه داده است. از جمله، در فرهنگ جوامع انگلیسی زبان «جمعه سیزدهم ماه» (Friday the 13th) روزی بدیمن به حساب می‌آید در حالی که در فرهنگ اسپانیولی، «سه‌شنبه سیزدهم ماه» (martes 13) بدشگون تلقی می‌شود. به همین ترتیب، رنگ مرگ در جوامع غربی سیاه و در [برخی] جوامع شرقی سفید است یا مثلاً تکان دادن سر در اروپای غربی علامت موافقت است در حالی که در ترکیه برعکس به معنای عدم موافقت تعبیر می‌شود. اصطلاحات فهرست‌شده در واژگان زبان‌ها، استعارات کلیشه‌ای و ضرب‌المثل‌های دارای معادل فرهنگی را می‌توان مصداق چنین معادل‌یابی-هایی تلقی نمود. پیم خود چندین بار اصطلاح «معادل فرهنگی» را به جای معادل طبیعی به کار برده است و بدین ترتیب، بطور ضمنی بر این نکته صحنه‌گذارده است که منظور از معادل طبیعی معادلی است که به لحاظ فرهنگی در جامعه مقصد پذیرفته شده و در گنجینه واژگانی زبان مقصد فهرست گردیده است. به نظر می‌رسد کار مترجم در

³ Natural equivalence

⁴ Directional equivalence

⁵ Bidirectional equivalents

برگردان عناصر دارای معادل طبیعی، «معادل‌یابی» است یعنی یافتن معادل‌های از پیش موجود در فرهنگ و زبان مقصد.

در مقابل، وقتی پیم از تعادل یک‌سویه سخن می‌گوید، منظورش مواردی است که در آنها امکان ایجاد تناظر یک به یک و متقابل الزاماً وجود ندارد. اگر «الف» در ترجمه به زبان دیگر «ب» را به دست دهد اما ترجمه معکوس «ب» به زبان مبدأ الزاماً به «الف» منتهی نگردد، با تعادل یک‌سویه سر و کار داریم. پیم مکرر تاکید می‌کند که مشکل اصلی ترجمه اتفاقاً مشکل دستیابی به تعادل یک‌سویه است نه تعادل طبیعی که زمانی هدف غایی ترجمه محسوب می‌شد.

اعتقاد به تعادل یک‌سویه تفاوت میان ترجمه‌های مختلف متنی واحد و نیز تفاوت ترجمه‌های مختلف مترجمی واحد را در زمان‌های مختلف قابل توضیح می‌سازد و بر ماهیت پویا و سیال عمل ترجمه صحنه می‌گذارد. پیم از اصطلاح «معادل‌سازی» استفاده نکرده است اما به نظر می‌رسد در مسیر نیل به تعادل یک‌سویه کار مترجم اساساً «معادل‌سازی» است نه معادل‌یابی.

در بحث تعادل طبیعی، پیم تعریفی عام بر مبنای مفهوم «ارزش همانند» به دست می‌دهد به گونه‌ای که بتواند همچون چتری همه انواع تعادل را تحت پوشش قرار دهد؛ تعادل صوری و تعادل پویا در آراء نایدا، تقسیم‌بندی پنج‌گانه تعادل در دیدگاه کولر و تعادل فرهنگی وینای و داربلنه جملگی ناظر بر همین معیار ارزش برابر یا هم‌ارز هستند (از قبیل هم‌ارزی صوری، نقشی، معنایی و ...). آن‌گونه که از متن کتاب برمی‌آید، ظاهراً ایده اولیه تقسیم‌بندی دوگانه تعادل (به تعادل یک‌سویه و دوسویه) در دیدگاه پیم از کار نظریه‌پرداز مکتب لایپزیک، اتو کاده^۶ (۱۹۶۸) اقتباس گردیده است. مطابق نظر کاده، تعادل ترجمه‌ای در سطح واژه و عبارت (گروه) به چهار نوع تناظر یا تطابق «یک به یک»، «یک به چند»، «یک به جزء» و «یک به هیچ»^۷ تقسیم می‌شود. کاده از روابط تناظر یک به یک با عنوان «تعادل کامل» یاد کرده است که آشکارا دوجانبه (دوسویه) هستند و نیل به حد آرمانی تعادل طبیعی را میسر می‌سازند. در مقابل، تناظر یک به چند و یک به جزء یک‌سویه هستند زیرا تضمینی وجود ندارد که در حرکت از نظام مقصد به نظام مبدأ واژه یا عبارت اولیه را عیناً به دست دهند. ابتکار جالب کاده توصیف وی از تناظر

^۶ Otto Kade

^۷ “one-to-one”, “one-to-several”, “one-to-part” and “one-to-none” relationships

یک به چند به عنوان «تبادل مبتنی بر گزینش»^۸ و از تناظر یک به جزء به عنوان «تبادل تقریبی»^۹ است که این هر دو اصطلاح به نسبی بودن مفهوم تبادل اشاره می‌کنند. یکی از موضوعاتی که به اعتقاد پیم در پیوند با مفهوم تبادل یک‌سویه مطرح گردیده است طرح دوگانی‌های دوقطبی^{۱۰} در تاریخ نظریه ترجمه در غرب بوده است: تمایز «بیگانه‌سازی» از «بومی‌سازی» توسط شلایرماخر، «تبادل صوری» در مقابل «تبادل پویا» در دستگاه ترجمه‌شناسی نایدا، «ترجمه معنایی» در مقابل «ترجمه ارتباطی» در رویکرد نیومارک، «ترجمه موهوم» در برابر «ترجمه غیرموهوم» در منظر یری لوی (۱۹۶۳/ ۲۰۱۱)، تمایز «ترجمه آشکار» از «ترجمه پنهان» در الگوی هاوس، تفاوت «ترجمه مستند» و «ترجمه ابزاری» در نزد نورد، تمایز «ترجمه مکفی» در مقابل «ترجمه مقبول» در آراء توری و نهایتاً تقسیم‌بندی دوگانه «ترجمه سلیس» و «ترجمه سرکش» در اندیشه ونوتی. از نظر پیم، بسیاری از نظریه‌های تبادل مبتنی بر ملاحظه دو روش ترجمه متفاوت هستند و در عین حال وی از امکان اتخاذ روش‌های بینابینی در حد فاصل این قطب‌های دوگانه نیز سخن می‌گوید. نکته در اینجاست که برخلاف برخی از صاحب‌نظران که تاریخ ترجمه را در تکرار و تکرار آراء پیشینیان حول محور تبادل خلاصه می‌کنند، پیم بر این باور بنیادین انگشت می‌گذارد که در مورد رابطه بین این قطب‌های دوگانه نظریه‌پردازان مختلف به گونه‌های متفاوتی اندیشیده‌اند و دیدگاه‌های بسیار متنوعی را به دست داده‌اند. در اینجا پیم پرسش بسیار مهمی را مطرح می‌سازد و آن اینکه به چه دلیل بسیاری از نظریه‌های تبادل یک‌سویه تنها از دو قطب متقابل سخن می‌گویند و حال آنکه اساساً بسیاری از مشکلات و مسائل مبتلا به ترجمه با اتکاء به بیش از صرفاً دو شیوه ترجمه قابل حل به نظر می‌رسند؟ به یاد داشته باشیم که نظریه‌پردازان پارادایم تبادل طبیعی نیز نوعاً بیش از دو نوع یا دو شیوه ترجمه را معرفی کرده‌اند (وینای و داربلنه از هفت شیوه، کولر از پنج نوع و رایس از سه روش ترجمه سخن گفته‌اند).

پیم آنگاه خود در مقام پاسخ به پرسش فوق از دو احتمال سخن می‌گوید: اولاً در ذات ترجمه تبادل‌مدار به هر حال نوعی دوگانگی «این یا آن» به معنای گرایش به متن

⁸ Choice-based equivalence

⁹ Approximate equivalence

¹⁰ Binary dichotomies

مبدأ یا متن مقصد وجود دارد و این گرایشی انکارناپذیر می‌نماید. ثانیاً وجود دو گرایش متمایز به سوی دو عامل انسانی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت کما اینکه در دیدگاه شلایرماخر، بر حسب اینکه مترجم به سوی مؤلف یا به سوی خواننده حرکت کند، دو شیوه کاملاً متفاوت وجود می‌آید. بدین ترتیب، ترجمه با دو شیوه عمل متمایز و با دو نوع موضع‌گیری متفاوت از جانب مترجم سر و کار دارد. پیم بر این باور است که این نگاه دوقطبی به ترجمه که مبتنی بر ایدئولوژی «یا این یا آن» بوده است، زائیده اندیشه ناسیونالیسم غربی [و دوآلیسم افراطی منبعث از آن] است اما مشکلات واقعی ترجمه در عمل به ندرت ممکن است تا این حد ساده‌انگارانه باشند.

در اواخر فصل سوم، مؤلف مزایای پارادایم تعادل یک‌سویه را به شرح ذیل فهرست می‌کند: (۱) تعادل یک‌سویه پیش‌فرضهای ایدئولوژیکی مربوط به طبیعی بودن، ماهیت واقعی زبانها و محافظه‌کاری زبانی ترجمه را مفروض نمی‌دارد؛ (۲) تعادل یک‌سویه دامنه گسترده‌تری را در مقایسه با تعادل طبیعی دربرمی‌گیرد که امکان انجام گزینش‌های بیشتری را برای مترجمان مهیا می‌سازد و در عین حال، تأثیر عواملی را مد نظر قرار می‌دهد که صرفاً محدود به ملاحظه متن مبدأ نیستند؛ (۳) تعادل یک‌سویه با ارائه شیوه‌های متنوع برای نیل به تعادل، معضل آشکار «ترجمه‌ناپذیری» را که برساخته مکتب زبان-شناسی ساختگراست [تا حدودی] مرتفع می‌سازد؛ و (۴) نظریه پردازان پارادایم تعادل یک‌سویه در عوض تجویز اینکه مترجم چگونه باید ترجمه کند، سعی بر آن دارند تا بطور توصیفی و به شکل عینی نشان دهند که برآستی مترجمان چگونه در فرهنگ‌های متفاوت و در مقاطع تاریخی متفاوت ترجمه می‌کنند.

در عین حال، پیم در پایان فصل سوم نکات دیگری را نیز این بار در نقد پارادایم تعادل یک‌سویه و عموماً از زبان دیگران فهرست می‌کند که به ترتیب عبارتند از: (۱) تعادل تقارن بین زبان‌ها را مفروض می‌دارد (نقد اسنل هورنبای، ۱۹۸۸، بر اندیشه تعادل‌گرا)؛ (۲) نظریه‌های تعادل یک‌سویه زیاده از حد دوقطبی‌اند (نقد هانری مشونی^{۱۱}، ۲۰۰۳/۱۹۷۳، بر نظریه تعادل؛ (۳) نظریه‌های تعادل یک‌سویه متن مبدأ را برتر از متن مقصد تلقی می‌کنند (نقد ورمیر، ۱۹۸۹a، ۱۹۸۹b / ۲۰۱۲)؛ و نهایتاً اینکه (۴) تعادل

¹¹ Henri Meschonnic

اساساً معیار مؤثری نیست (و معیار «تشابه»^{۱۲} برای نیل به ترجمه موفق کفایت می‌کند- نقد چسترمن بر معیار تعادل، ۱۹۹۶).

شاید بتوان گفت که این نوع نگاه دوجهبی به مفهوم تعادل می‌تواند زاویه دید تازه- ای را به روی مطالعات ترجمه تعادل محور بگشاید و امکان پاسخ به انتقادات افراطی موجود در باب تعادل مطلق و آرمانی را بیش از پیش فراهم آورد. اکنون می‌توان با اطمینان خاطر بیشتر و با ادبیات کم و بیش مستدلی از اهمیت بنیادین نظریه تعادل در مطالعات ترجمه سخن گفت. یکی از ابعاد حائز اهمیت این رویکرد جدید آن است که منظور از تعادل در ترجمه اساساً نیل به روابط دقیق ریاضی‌گونه و هم‌ارزی مطلق نیست و این نوع روابط ممکن است هر از گاه و بطور استثنایی محقق گردند. به عبارت دیگر، می‌توان با وام‌گیری از ادبیات زبان‌شناسی تعادل یک‌سویه را نوع «بی‌نشان» (و معمول) تعادل تلقی کرد و تعادل دوسویه یا تعادل طبیعی را نوع «نشاندار» (و نامعمول) آن به شمار آورد. از سوی دیگر، به موازات پرهیز از مطلق‌گرایی و اعراض از تناظر یک به یک در ترجمه، می‌توان به تناسب از نسبی‌گرایی زبانی و فرهنگی که با واقعیات عملی ترجمه همخوانی بیشتر و معقول‌تری دارند سخن گفت و این خود باب مباحث متنوعی را در مورد پیوستار ترجمه‌پذیری، اهمیت عامل زمان در ترجمه، تأثیر و تأثر متقابل مخاطب و مترجم، نیاز به اتخاذ شیوه‌های ترجمه التقاطی و نظایر آنها باز خواهد کرد. در یک جمله کوتاه شاید بتوان ابتکار پیم را در ارائه این تقسیم‌بندی و تمایز هوشمندانه حرکت از آرمانگرایی مفرط به عمل‌گرایی منطقی تفسیر کرد، چیزی که مطالعات ترجمه برای اجتناب از جزمیت‌گرایی و نسخه‌پیچی‌های آزاردهنده به شدت بدان نیازمند است. و اما شخصاً معتقدم در دیدگاه پیم نسبت به تعادل دست کم یک کاستی عمده به چشم می‌خورد؛ رویکرد پیم حداقل در مقام ارائه مثال و شواهد معتبر زبانی صرفاً به سطوح خرد زبانی محدود می‌ماند و این در مقطعی که مطالعات ترجمه از امکان بهره‌گیری از دستاوردهای نوین زبان‌شناسی متن‌بنیاد و شیوه‌های تحلیل متن، تحلیل گفتمان و نظایر آنها برخوردار است گامی به عقب تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد تصریح در «واحد ترجمه» و «واحد تحلیل ترجمه» (واحد تحلیل بیشینه) بتواند در رفع این کاستی مؤثر واقع گردد. می‌توان مصادیق ترجمه طبیعی را به سطوح خرد زبانی همچون واژه‌ها،

¹² Similarity

گروه‌ها و صورت‌های کلیشه‌ای از قبیل اصطلاحات، استعاره‌ها و نظایر آنها تقلیل داد و در مقابل، بحث دربارهٔ تعادل یک‌سویه را به هیچ سطح زبانی مشخصی محدود نکرد چرا که در عمل، پیوستار ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری بطور توأمان سطوح خرد زبانی (همچون واژه‌ها و جملات) و سطوح کلان زبانی (مثل رویدادهای ارتباطی، خرده‌متن‌ها و ...) را دربرمی‌گیرد و مطالعات ترجمه از تحلیل این هر دو سطح زبانی بی‌نیاز نیست.

References

- Chesterman, Andrew (1996), "On similarity", *Target* 8(1): 159-163.
- Kade, Otto (1968). *Zufall und Gesetzmässigkeit in der Übersetzung*. Leipzig: VEB Verlag Enzyklopädie.
- Levy, Jiri (1963/2011). *The Art of Translation*. Amsterdam & Philadelphia: Benjamins.
- Meschonnic, Henri (1973). "Propositions por une poétique de la traduction", *Pour la poétique II*, Paris: Gallimard, pp. 305-316.
- Pym, Anthony (2012). *On Translator Ethics: Principles for Mediation between Cultures*. Amsterdam & Philadelphia: Benjamins.
- Pym, Anthony (2014). *Exploring Translation Theories*. 2nd ed., London & New York: Routledge.
- Pym, Anthony et al. (2013). *The Status of the Translation Profession in the European Union*. London & New York: European Commission.
- Snell-Hornby, Mary (1988). *Translation Studies: An Integrated Approach*. Amsterdam & Philadelphia: Benjamins.
- Vermeer, Hans, J. (1989a). *Skopos und Translationsauftrag*. Heidelberg: Institut für Übersetzen und Dolmetschen.
- Vermeer, Hans, J. (1989b/2012). "Skopos and commission in translational action", in Lawrence Venuti (ed.) *The Translation Studies Reader*, 3rd ed., London & New York: Routledge.

مروری بر کتاب

ارزیابی در ترجمه

ارزیابی در ترجمه: نکته‌های انتقادی در تصمیم‌گیری مترجم،

تألیف جرمی ماندی، انتشارات راتلج، ۲۰۱۲

جرمی ماندی را عموماً با درسنامه‌هایی درباره مطالعات ترجمه می‌شناسیم؛ درسنامه‌هایی مانند معرفی مطالعات ترجمه (ویراست سوم، ۲۰۱۲) و ترجمه: منبعی پیشرفته (مشترک با بصیل حتیم، ۲۰۰۴). و همین کتاب اخیر که به باور نگارنده جدی‌ترین پژوهش مؤلف در حوزه مطالعات ترجمه به شمار می‌رود. هدف این کتاب بررسی نشانه‌های زبانی دخالت مترجم و ارزیابی ذهنی وی است. بدین منظور، مؤلف «نظریه ارزیابی» مارتین و وایت (۲۰۰۵) را به عنوان چارچوب نظری و روش‌شناختی در تحلیل ترجمه به کار می‌بندد. نظریه مذکور جنبه‌های مختلف نگرش گوینده، میزان قدرت آن نگرش (تدریج^{۱۳}) و شیوه‌های همسویی گوینده با منشاء نگرش و با مخاطب (التزام^{۱۴}) را توصیف می‌کند.

نظریه ارزیابی خود از دستور سازگانی - نقش‌گرای هلیدی (هلیدی، ۱۹۹۴؛ هلیدی و مَتِیسِن ۲۰۰۴) منشاء می‌گیرد که به موجب آن، گزینشهای واژگانی - دستوری هر یک به ایجاد نقشی می‌انجامد یا در ایفای نقشی سهیم می‌شوند. نظریه ارزیابی بطور مشخص به «نقش بینافردی»^{۱۵} زبان مربوط می‌شود که با رابطه بین نویسنده و خواننده (یا گوینده و شنونده) سر و کار می‌یابد. کاربرد نظریه ارزیابی در تحلیل ترجمه سابقه چندانی ندارد و هدف از کتاب ماندی نیز بازشناسی مؤلفه‌هایی از این الگوی تحلیلی است که برای مترجم جنبه انتقادی دارند؛ عناصری که حفظ آنها در متن مقصد نوعاً ضرورت دارد اما مشخصاً برخی از آنها نیازمند تفسیر و بعضاً مداخله اساسی مترجم هستند. گاهی اوقات،

¹³ graduation

¹⁴ Engagement

¹⁵ Interpersonal function

این نکته‌های انتقادی در سطوح کلان متنی و فرهنگی مطرح می‌شوند. به عنوان نمونه، زبان تایلندی معیار واجد گونه‌ی زبانی خاص و مقدسی است که مورد استفاده‌ی درباریان و راهبان بودایی است و با گونه‌ی متعارف زبان تایلندی تفاوت‌های واژگانی مشخصی دارد (مثلاً در ارجاع به اصطلاحات مربوط به روابط خویشاوندی، حیوانات، اعضاء بدن و برخی اعمال بخصوص) (اسمائی، ۱۹۹۴: ۵۸). این تمایزات زبانی منعکس‌کننده‌ی تفاوت‌های اجتماعی نیرومندی است که انتقال آنها به زبان‌های فاقد این گونه تمایزات کم و بیش غیرممکن می‌نماید و حال آنکه موضوع برای خود گویشوران تایلندی بی‌نهایت حساسیت برانگیز است.

گاهی اوقات، برگردان حتی یک تک واژه‌ی کلیدی ممکن است ایجاد حساسیت کند. مونا بیکر (۲۰۰۶) مثال‌های متعددی در این زمینه به دست می‌دهد، از جمله انتخاب «اورشلیم» یا «بیت المقدس» برای اشاره به آن شهر یا مثلاً انتخاب «سامریه» یا «کرانه باختری» برای ارجاع به یک منطقه‌ی جغرافیایی خاص. یا مثلاً، در سال ۱۹۸۶، دولت مالزی استفاده از نام «الله» را برای ارجاع به خدواند مذاهب غیراسلامی ممنوع کرد، با این استدلال که استفاده از آن واژه در برخی بافتها ابهام‌برانگیز می‌شود. کتاب ماندی موضوع ترجمه‌ی این عناصر واژگانی ارزشگذار و کارکرد این نوع ارزشگذاری‌ها را در بافتهای موقعیتی دوره‌ی معاصر مورد توجه قرار داده است.

به عنوان نمونه، الفاظ وجه‌نما^{۱۶} و افعال ناقل (در جملات نقل قول) معمولاً در بردارنده‌ی داورهای ارزشی هستند. برای مثال، در چارچوب نظریه‌ی ارزیابی، ظرایف معنایی نهفته در افعال ناقل تحت عنوان «تدریج» مورد بحث قرار می‌گیرند و از حیث انتقال نگرش و موضع نظری نویسنده/ گوینده اهمیت خاصی پیدا می‌کنند. مارتین و وایت (۲۰۰۵: ۹۸) در توضیح نظریه خود از تفاوت ارزشی افعال show (نشان دادن)، indicate (حاکی از چیزی بودن)، suggest (مبین چیزی بودن) و claim (مدعی بودن) سخن گفته‌اند. ماندی با نقل قول از مارتین و وایت فرآیند تهیه‌ی پیش‌نویس و بازنویسی-های مکرر گزارش حلقه‌ی داخلی مشاوران تونی بلر، نخست وزیر پیشین بریتانیا، را برای توجیه مشارکت در اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به بحث می‌گذارد؛ اینکه چگونه این

¹⁶ Modal expressions

فعلها در نسخه‌های مختلف جایگزین یکدیگر شدند تا نگرش‌های متفاوتی را در فاصله میان «شک و تردید» تا «اطمینان و یقین» منتقل سازند:

Within the last month intelligence has **suggested** that the Iraqi military **would be** able to use their chemical and biological weapons within 45 minutes of an order to do so.

(پیش‌نویس گزارش به تاریخ ۱۰/۹/۲۰۰۲)

The Iraqi military **may be** able to deploy chemical or biological weapons ...

(پیش‌نویس گزارش به تاریخ ۲۰۰۲/۹/۱۶)

Intelligence **indicates** that the Iraqi military **are** able to deploy ...

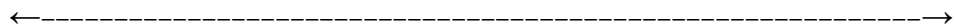
(پیش‌نویس گزارش به تاریخ ۱۹/۹/۲۰۰۲ و گزارش نهایی منتشر شده به تاریخ ۲/۹/۲۰۰۲)

از نظر مارتین و وایت، فعل *shows* («نشان می‌دهد») نمونه‌ای از اعلان آشکار است که طی آن، صدای درون متن اجازه اتخاذ دیدگاه بدیلی را برای خواننده قائل نیست (۲۰۰۵: ۹۸)؛ افعال *indicates* («حکایت از آن دارد که») و *suggests* («مبین آن است که») به تعدد و تکثر صداها می‌انجامند در حالی که فعل *claims* («مدعی است که») نشان‌دهنده یک صدای خارجی است که ذهنیت خاص خود را دارد و می‌تواند چالش برانگیز باشد (همان).

ماندی با وام گرفتن از باختین، نظریه‌پرداز فقید روسی، افعال فوق را بر روی یک پیوستار و در بازه‌ای از «تک‌صدایی» تا «چندصدایی» آرایش می‌دهد:

تک‌صدایی

چندصدایی



نشان دادن

حاکمی (از چیزی) بودن

مبین (چیزی) بودن

مدعی بودن

طبیعتاً به تناسب تفاوت‌های ظریفی که هر یک از این افعال در القای یک نگرش و قضاوت ارزشی بخصوص ایفا می‌کنند، ترجمه آنها نیز بالقوه چالش‌برانگیز است. اولاً زبان‌های مختلف ممکن است از نظر دامنه منابع مورد استفاده در ساخت‌های نقل قولی به طرق متفاوت عمل کنند. در اینجا، ماندی به اجمال از یافته‌های کار تحقیقی دکتر مختاری اردکانی (۲۰۰۲) بهره می‌گیرد مبنی بر اینکه قراردادهای نقل قول در زبان انگلیسی در مقایسه با زبان‌های فارسی و عربی گسترده‌تر است. ثانیاً مترجم ممکن است همیشه نتواند موضع‌گیری‌های مؤلف را دریابد و این خود می‌تواند منشاء چرخش از دیدگاه مورد نظر مؤلف باشد. به همین دلیل، در ترجمه عربی گزارش مشاوران تونی بلر، فعل *indicates* بصورت تک‌صدایی ترجمه شده است (*يُؤَكِّدُ* = تأکید می‌کند) در حالی که فعل *suggested* بصورت صریح و مستقیم به عربی برگردانده شده است (*اِسَارَه* = اشاره دارد به اینکه)؛ انتخاب‌هایی که ممکن است هر یک تأثیر معنی‌داری بر دریافت خواننده از متن بر جای بگذارند.

بدین ترتیب، کتاب ماندی درصدد بر آمده است تا شیوه تحلیلی مارتین و وایت را برای آشکارسازی گزاره‌های ایدئولوژیکی نهفته در انتخاب‌های زبانی و گرایش‌ها مربوط به ترجمه آنها به بوتۀ آزمایش بگذارد. میانجی‌گری و دخالت مترجم و تأثیری که بر نقش بینافردی زبان بر جای می‌گذارد در کانون توجه مؤلف بوده است. این کتاب می‌تواند شیوه تحلیلی عینی و نسبتاً دقیقی برای مطالعه موشکافانه اعمال نظرها و دخالت‌های ایدئولوژیکی و جانبدارانه مترجمان در فرآیند ترجمه بخصوص در حوزه ترجمه متون مطبوعاتی و رسانه‌ای به دست دهد و می‌تواند رویکرد قابل اتکایی برای انجام طرح‌های پژوهشی، نگارش پایان‌نامه‌های دانشجویی، تألیف مقالات تحقیقی و انجام عملی نقد ترجمه در اختیار پژوهشگران، دانشجویان و منتقدان ترجمه قرار دهد. مخصوصاً از این جهت که ماندی خود عملاً شیوه تحلیلی مورد نظر را در نقد و تحلیل نمونه‌هایی از انواع گوناگون متون گفتاری و نوشتاری به کار بسته است و این خود اسلوبی است برای کاربرد عملی الگوی مورد بحث.

References

- Baker, Mona (2006) *Translation and Conflict: A Narrative Account*. Abingdon & New York: Routledge.
- Halliday, M. A. K. & Christian Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3rd ed., London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. 2nd ed., London: Edward Arnold.
- Hatim, Basil & Jeremy Munday (2004) *Translation: An Advanced Resource Book*. London & New York: Routledge.
- Mertin, James R. & Peter R. R. White (2005) *The Language of Evaluation: Appraisal in English*. London: Palgrave.
- Mokhtari Ardekani, Mohammad Ali (2002), "The translation of reporting verbs in English and Persian", *Babel* 48(2): 125-134.
- Munday, Jeremy (2012) *Evaluation in Translation: Critical Points of Translator Decision-Making*. London & New York: Routledge.
- Munday, Jeremy (2012). *Introducing Translation Studies*, 3rd ed., London & New York: Routledge.
- Smalley, William Allen (1994). *Linguistic Diversity and National Unity: Language Ecology in Thailand*. Chicago & London: University of Chicago Press.